



تأملی قرآنی بر تفکر تکفیری و رفتارهای خشونت‌آمیز فرقه وهابیت

قرآن حتی اجازه جنگ علیه منافقینی را نمی‌دهد که قصد جنگ و فتنه ندارند، حال چگونه ممکن است که قرآن جنگ با مسلمانان را مجاز بداند؟

طبق آیه «...فَإِنْ عَاتَزْتُمْ بِفُلْمٍ يُفَاتِلُوكُمْ وَ أَلْتَقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمُ...» (نساء/90)، قرآن حتی اجازه جنگ علیه منافقینی را نمی‌دهد که قصد جنگ و فتنه ندارند، حال چگونه ممکن است که قرآن جنگ با مسلمانان را مجاز بداند؟ تفکر ضد قرآنی وهابیت برای مسلمانان تبلیغ می‌شود و برخی را در دام خود گرفتار می‌کند؛ تفکری که به راحتی حکم به عملیات انتحاری کور می‌دهد، بدون دلیل دیگر مسلمانان با مذاهب مختلف را کافر می‌شمارد و در صفوف مسلمانان بذر نفاق می‌پراکند و با اغراض سیاسی وابسته به استکبار جهانی و حمایت مالی و نظامی دولت‌های جابر و حکومت‌های سرسپرده آنها، در جهت نابودی مسلمانان تلاش می‌کند.

متأسفانه در زبان عرب به اشتباه، لفظ «ارهاب» را برای ترور در نظر گرفته‌اند و شاید همین اشتباه برای بعضی افراد دلیلی باشد بر اینکه در قرآن به ارهاب و ترور اشاره شده است. تنها آیه‌ای که واژه «ارهاب» در آن به کار رفته است، آیه 60 سوره انفال است که به راحتی می‌توان درک کرد که واژه «ترهیبون» در این آیه یعنی ترساندن دشمنان خدا و مسلمانان، با مجهز شدن به تجهیزات جنگی و آمادگی رزمی.

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ وَ در برابر آنها، آنچه توانستید از نیروی (انسانی، سلاح‌های روز و هزینه نبرد) و اسبان بسته و آماده شده (وسایط نقلیه و ارتباطی مناسب) آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی‌شناسید، خداوند آنها را می‌شناسد، بترسانید. و هر چیزی که در راه خدا انفاق کنید (در روز جزا) به طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما هرگز ستم نمی‌رود (از حقتان کاسته نمی‌شود)» (انفال/60).

در واقع در فرهنگ قرآنی، ارهاب به معنای ناامید ساختن دشمن از حمله و جنگ علیه مسلمانان است. ارهاب در فرهنگ قرآنی یعنی آمادگی دفاعی خود را به رخ دشمنان کشاندن تا با داشتن تجهیزات بروز و افراد آماده برای دفاع، در صفوف دشمنان ایجاد ترس کند و در نتیجه به خود جرئت حمله به مسلمانان را ندهند. با توجه به مقدمه فوق با مراجعه به آیات الهی انشاءالله اثبات می‌شود که ترور از هر نوع آن، از نظر اسلام مردود است.

نظر قرآن درباره کشتن انسان‌های بی‌گناه و ترور

در آیات 27 تا 32 سوره مبارکه مائده، به داستان قتل یا ترور هابیل توسط برادرش قابیل اشاره شده است. این قتل از این نظر یک ترور است که هابیل در مقابل برادرش مقاومتی نمی‌کند و اظهار می‌کند که من از خدا می‌ترسم و لذا اقدامی در جهت کشتن تو انجام نمی‌دهم.

در این آیات اقدام قابیل (ترور ناجوان‌مردانه برادر) یک ظلم معرفی شده و جزای آن دوزخ است. در آیه 32 این سوره می‌خوانیم: «...أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...؛ هر کس یک انسان را بکشد بدون این‌که او کسی را کشته باشد و یا فساد در زمین کرده باشد مثل این است که همه مردم را کشته است» (مبارکه/32).

همان‌گونه که از این آیه مشخص است، قرآن به طور صریح و بدون ابهام، قتل یک انسان بی‌گناه (چه ترور و چه به ناحق) صرف نظر از دین و آیین وی را به مثابه کشتن همه انسان‌های خلقت مطرح می‌کند.

بر اساس آیه 49 سوره نمل «قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ؛ گروه‌های فاسد گفتند با یکدیگر سوگند بخورید که حتماً به صالح و کسانش شبیخون می‌زنیم، سپس به ولی او خواهیم گفت: ما در محل قتل و ترور خانواده او (و بالطبع خود او) حاضر نبودیم و ما قطعاً راست می‌گوییم.

از این آیه و آیات دیگر این سوره به راحتی می‌توان دریافت کرد که شبیخون زدن، همان ترور کردن حضرت صالح در شب هنگام است و از نظر قرآن، ترور همراه مکر و نقشه‌های پلید و شیطانیست و به‌طور معمول با غافل‌گیری همراه است.

نهی مکر، ترور و شبیخون در قرآن

در آیه 30 سوره انفال «وَ إِذْ يَمَكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتِلُواكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُجْرِبُوكَ وَ يَمَكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ (به یاد آر) زمانی که کافران درباره تو مکر و نیرنگ می‌کردند تا تو را بازداشت کنند یا بکشند و یا (از شهر) بیرون کنند، و آنها همواره نیرنگ می‌کردند و خدا هم با نیرنگشان مقابله می‌نمود و خدا بهترین مقابله‌کنندگان با نیرنگ است»، چنان که در تفاسیر آمده، داستان نقشه ترور پیامبر اکرم (ص) از سوی برخی از کافران و منافقان است. این عمل باز هم با مکر شیطانی کفار همراه است و خداوند در هیچ جای از قرآن نفرموده‌اند که مکر را به شما مسلمانان یاد دادیم تا شما هم با آنها مقابله کنید بلکه خداوند در مقابل مکر پلید کفار، خود وارد عمل شده و مکر آنها را خنثی می‌فرماید.

از همین نکته بسیار روشن و ظریف می‌توان پی برد که خداوند مکر را در هر شکل و نوع خود نهی نموده و در نتیجه ترور و

شیخون زدن هم مورد پذیرش قرآن و خداوند نیست.

ترجیح اصلاح طلبی بر قتل در داستان قرآنی کشته شدن قبطی به دست موسی(ع)

در سوره قصص در داستان حضرت موسی(ع)، ملاحظه می‌کنیم که خداوند در آیه 15 قتل شخصی فرعون توسط حضرت موسی را کار شیطان معرفی می‌نماید. و از سیاق آیات 16 و 17 و 18 و 19 این سوره متوجه می‌شویم که خداوند کشتن یک شخص قبطی در یک نزاع توسط حضرت موسی را، ظلم به نفس، گمراهی، زورگویی و سرکشی و مخالف اصلاح گری معرفی می‌کند. به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که خداوند اصلاح طلبی را بر دشمنی و کشتن ترجیح می‌دهد.

حال این سؤال را باید از فرقه ضاله وهابیت پرسید که آیا انفجار انتحاری و کشتن صدها زن و مرد و کودک بی‌گناه توجیه قرآنی دارد؟ آیا ایشان در حال اصلاح در میان مردم هستند؟! آیا در آخرت برای این همه ظلم و جنایاتشان از ایشان سؤال نخواهد شد که «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُمْ؟» به کدامین گناه کشته شده است؟» (تکویر/9).

اسلام؛ دین صلح و دفاع

طبق آیه شریفه «...فَإِنْ عَتَزْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلْكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء /90) که مفهوم آیه و آیات قبل و بعد آن مربوط به منافقین است، خطر منافقین بیش از کفار است. در این قسمت از آیه خداوند می‌فرماید: «پس اگر آنها (منافقین) بر علیه شما کاری نکردند و با شما جنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، دیگر خداوند به شما اجازه تعرض به آنان را نمی‌دهد».

جایی که قرآن اجازه جنگ علیه خطرناک‌ترین دشمن اسلام یعنی منافقین (منافقینی که فعلاً قصد جنگ و فتنه ندارند) را نمی‌دهد، چگونه ممکن است، به جنگ با دیگر مسلمانان، همسایگان و دیگر کشورها دستور دهد. از این آیه و البته آیات بسیار دیگر می‌توان استدلال نمود که اسلام دین هوشیاری، دفاع و صلح است.

در آیه 92 همین سوره مشاهده می‌کنیم که در پیشگاه خداوند «خون و نفس انسان» اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و به هیچ مؤمنی اجازه کشتن مؤمن دیگر و حتی کافر هم پیمان را نمی‌دهد. همچنین طبق آیه 93 همین سوره، «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَذَّبَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا؛ و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است».

در آیه 39 سوره مبارکه حج نیز آمده است: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت جهاد داده شده، زیرا مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر یاری آنان سخت تواناست». این آیه به صراحت نشان می‌دهد که زمان جهاد و دفاع از دیدگاه قرآن و اسلام زمانی‌ست که دشمن ظالم، شروع کننده جنگ است.

تأکید قرآن بر رفتار عادلانه با کفار

در آیات 7 و 8 سوره مبارکه ممتحنه نیز قرآن مجدداً بر این نکته تأکید دارد که اسلام به دنبال مودت و دوستی با کفار و هدایت ایشان است نه دشمنی با آنها. به مسلمین دستور اکید می‌دهد که به کفاری که با شما جنگیده‌اند، با نیکی رفتار نموده و با ایشان عدالت ورزید.

با این آیات متقن قرآنی، فرقه وهابیت باید پاسخ دهد که آیا تفرقه در صفوف مسلمین و شروع جنگ و انجام ترور و انتحار در میان آنها در جهت خلاف مفاهیم قرآن و در جهت شیاطین جن و انس نیست؟ آیا پیروان مذاهب اسلامی را کافر دانستن و ریختن خون آنها را مباح دانستن منطبق بر آیات قرآن است؟

انتقام‌جویی، جاه‌طلبی و کشورگشایی در تضاد با نیت اسلامی «فی سبیل‌الله»

طبق آیه 190 سوره بقره، «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی از اندازه در نگذیرید زیرا خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» مشاهده می‌کنیم که «فی سبیل‌الله» هدف اصلی جنگ در اسلام را تبیین می‌نماید. وقتی جنگ برای خدا و در طریق ایشان باشد، در نتیجه؛ انتقام‌جویی، جاه‌طلبی، کشورگشایی یا به دست آوردن غنائم و اشغال سرزمین‌های دیگران، مجاز نیست.

در راه خدا جنگیدن طبق آیات قرآن یعنی دفاع از حق، ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد و بسط عدالت و لذا این هدف الهی در تمام ابعاد جنگ اثر می‌گذارد و کمیت و کیفیت جنگ، نوع سلاح، چگونگی رفتار با اسرا را به رنگ «در راه خدا» درمی‌آورد.

«فی سبیل‌الله» یعنی این‌که نباید در جنگیدن پیشدستی کرد. غیر نظامیان (مخصوصاً کودکان و زنان) نباید مورد تهاجم واقع شوند و نباید هیچ تجاوزی در جهاد در راه خدا باشد و کاملاً باید متکی بر اصول اخلاقی بوده و نباید به ناتوان‌ها، اسرا، مزارع و باغ‌ها و دام‌ها و ... تعدی و تجاوز شود.

مولفه «فی سبیل‌الله» در نیت جهادگر، یعنی هر جا طرف مقابل دست از جنگ برداشت، طرف اسلام بپذیرد و از صلح استقبال کند: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ * لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُحَرِّجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ امید آن‌که خداوند میان شما و میان کسانی (از کفار مکه) که با آنها دشمنی داشتید، دوستی قرار دهد، و خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است * خدا شما را از کسانی (از کفار) که با شما درباره دین جنگیده و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند منع نمی‌کند که به آنها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید، زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد» (ممتحنه /7-8).

با توجه به مفاهیم دو آیه فوق، در کدام مکتب می‌شود چنین رأفت، مهربانی، گذشت، نیکی و عدالت‌ورزی را مشاهده نمود؟ مسلمانان در فتح مکه از گناه کفاری که سال‌ها آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده و خون‌های زیادی از مؤمنین را ریخته بودند، در

حالی که قدرت تلافی داشتند، گذشت کردند و حتی شقی‌ترین آنها را بخشیدند. مسلمانان بعد از فتح مکه، حتی به کفار صلح طلب تحت حکومت‌شان، نیکی نموده و با آنها با عدالت رفتار نمودند.

البته مواردی هم که در بعضی آیات سخن از سختگیری‌های میدان دفاع و جهاد شده است، به دلیل این بوده که مسلمانان از همان روزهای آغازین دعوت به اسلام، مورد تهاجم و جنگ‌های تحمیلی بسیاری از طرف دشمنان اسلام بودند. امروز مشاهده می‌کنیم که تفکر قسی‌القلب و هابیت هیچ‌کدام از این اصول الهی و قرآنی را رعایت ننموده و در خشونت کامل، دست به جنایاتی می‌زنند که شقی‌ترین افراد عالم هم، این‌گونه عمل نکرده‌اند.

در مقابل هم هستند کسانی که آتش اختلافات بین صفوف مسلمین را شعله‌ور می‌سازند. ما به عنوان پیروان قرآن و اسلام ناب محمدی در کشور انقلابی و قرآنی ایران، تنها به وحدت فکر می‌کنیم و در این مسیر، پیرو سیره عملی امام خمینی (ره) و رهبری فرزانه و قرآن‌شناسمان، امام خامنه‌ای هستیم که خطوط اصلی تفکرات‌شان، صرف‌نظر از وجود مذاهب مختلف رسمی در اسلام، ایجاد وحدت در صفوف همه مسلمانان جهان است.

در این راستا، اشاره به بعضی از فتوای مهم آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای خالی از لطف نیست:

هر عملی که وسیله سوء استفاده دشمنان اسلام یا موجب تفرقه بین مسلمین شود، حرام و ممنوع است. «یحرم التیل من رُموز إخواننا السنة فضلاً عن اتهام زوجه النبی بما یخل بشرفها بل هذا الأمر ممتنع علی نساء الأنبیاء و خصوصاً سیدهم الرسول الأعظم؛ اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سید الانبیاء پیامبر اعظم می‌شود».

ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن این‌گونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است.

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم.

جهانبخش فرجی، قاری بین‌المللی و مدرس قرائت قرآن